

## A Transition to Popular Culture base on Nasim Shomal Poems

Seyedeh Asma Mousavi Borazjani<sup>1</sup>,  
Bentolhoda Khorramabadi<sup>2</sup>

### Abstract

Studying the poems of the constitutional period poets is one of the reliable sources in the field of popular culture. A culture that has undergone a change sometimes and Sometimes it has remained unchanged. These cultures and beliefs that people in every community have a firm belief in, It guides us to understand and understand more and more the poetry that is especially evident in the constitutional age of the context and the conditions of life. In this article, relying on library and Internet resources, we have tried to study the poems of Nasim Shomal, one of the most central poets and journalists of the Constitutional era; Let's look at popular culture, beliefs and customs of that era. In the meantime, we have come across proverbs and ironies that are commonplace today, but perhaps fewer know that the likes of the Nasim Shomal. Other tips we found in this article, It was that the main focus of the Nasim, apart from poems written solely for the sake of artistic acceptance, dominated its semantic and literal dimension of entertainment and entertainment; The poem serves the idea of freedom, homeland, defending the working class and depicting the chaos in society. In this study, after mentioning the previous research and its method, the most important components of popular culture are categorized and then the examples are presented under each title and finally the data are deduced.

**Keywords:** Proverb, Popular Culture, Constitutional, Nasim Shomal.

Ph.D Student at Azad university, Boushehr, Iran  
Ph.D of Persian language and literature at Khalij Fars, Boushehr, Iran

## گذری بر فرهنگ عامه با تکیه بر اشعار نسیم شمال

سیده اسما موسوی برازجانی<sup>۱</sup>، بنت‌الهدی خرم‌آبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

دیوان اشعار شاعران دوره مشروطه یکی از منابع موثق در زمینه آگاهی از فرهنگ عامه است. این فرهنگ‌ها که مردم اعتقاد راسخی بدان‌ها داشته‌اند، ما را در مسیر شناخت و درک هر چه بیشتر شعر که به‌ویژه در عصر مشروطه نمود بارزی از بستر و شرایط زندگی است، رهنمون می‌کند. در این مقاله با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، سعی شده با بررسی اشعار نسیم شمال که از مرکزی‌ترین شاعران و روزنامه‌نگاران عصر مشروطه است، به فرهنگ عامه، باورها و آداب و رسوم آن دوره بپردازیم. در این بین گاه به ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌هایی رسیدیم که امروزه در بین عموم مردم رایج‌اند، اما شاید کمتر کسی بداند که این امثال از نسیم شمال است. از دیگر نکاتی که در این مقاله بدان دست یافتیم، این بود که عمده توجه نسیم فارغ از اشعاری که صرفاً برای التذاذ هنری سروده شده بودند و بعد سرگرمی و تفنن آن بر وجه معنایی و لفظی‌اش غلبه داشت. شعر در خدمت اندیشه آزادی‌خواهی، وطن، دفاع از طبقه زحمتکش و به تصویر کشیدن وضع آشفته حاکم در جامعه است. در این بررسی، پس از ذکر پیشینه تحقیق و روش آن، عنوان‌بندی مهم‌ترین مولفه‌های فرهنگ عامه مطرح و سپس شاهد مثال‌ها ذیل هر عنوان آمده و در نهایت از داده‌های به دست آمده نتیجه‌گیری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** مثل، فرهنگ عامه، مشروطه، نسیم شمال.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد بوشهر  
(نویسنده مسؤل) as.mousavi.b@gmail.com

۲. عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس  
hoda\_khorramabadi@yahoo.com

## مقدمه

نسیم شمال به زعم استاد شفیعی کدکنی از مرکزی‌ترین شاعران عصر مشروطه است؛ چراکه دیوان اشعارش مشحون از ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، باورها و فرهنگ عام است و از سویی موضوعاتی همچون آزادی‌خواهی و وطن‌دوستی نیز که وجه اشتراک همه شاعران عصر مشروطه است، در آن به وفور دیده می‌شود؛ اگرچه شیوه پرداختن به این‌گونه مسائل از زاویه دید هر کدام از شاعران مشروطه متفاوت و متمایز است. در این بین به نظر می‌رسد که اشعار نسیم شمال با دو رویه از روساخت و زیرساخت علاوه بر کوبیدن بر طبل آزادی، وطن، دفاع از طبقه زحمتکش و به تصویر کشیدن وخامت اوضاع ایران، به بیان باورهای عامیانه مذهبی، شرایط زنان، گرانی نان، وضعیت مجلس، جایگاه علم، شیوه میهمان‌نوازی و انواع خوراکی‌ها، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها نیز می‌پردازد. از آنجا که دیوان اشعارش مجموعه‌ای پربار از این دست اطلاعات بود، ما را بر آن داشت تا با بررسی فرهنگ عامه در آثار او علاوه بر رهنمون شدن به این مجموعه درخشان و غنی و با آشنایی با نوع نگاه و بینش شاعر در پرداختن به مسائل مطرح در ادبیات مشروطه نشان دهیم که او چطور از خلال اشعار آزادی‌خواهانه توانسته فرهنگ عامه را زنده نگه دارد و به نسل‌های بعد منتقل کند.

اشعار نسیم شمال بیش از ۲۰ هزار بیت است که بخشی از آن در مجموعه‌ای به نام «باغ بهشت» چاپ شده است. مدافع طبقه کارگر و زحمتکش بود. از جزئیات زندگی او اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. در سال ۱۲۸۷ هـ.ق. در قزوین متولد شد. گفته

می‌شود که در سال ۱۳۴۵، به بیماری جنون مبتلا می‌شود و در نهایت در سال ۱۳۵۲ از دنیا می‌رود. اشعار او از نظرگاه ترکیب عبارات و سبک بیان بر سخن بسیاری از هم‌عصرانش رجحان دارد و از لابه‌لای اشعارش میل به طبقه زحمتکش، ایران‌دوستی و مخالفت با بیگانگان مشاهده می‌شود. (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۶۱-۷۷)

در شعر مشروطه به علت رهایی از سبک‌های خراسانی، عراقی و هندی آن بخش از وجود ادبیات که مجالی برای ظهور نمی‌یافته، فرصتی برای عرض اندام پیدا می‌کند و در ازدحام شعر مشروطه و فراز و نشیب‌های آن، شعر نسیم شمال نقطه عطفی به شمار می‌رود؛ زیرا هم قابل فهم و آسان‌یاب است و هم برخاسته از باورهای مردمی. محوریت اشعار او شامل استبداد، تلاش اقشار ضعیف جامعه برای رهایی از چنگال ستمگران، شور و اشتیاق ناشی از صدور فرمان مشروطه، آزادی، پایان مشروطه و ... می‌شود. «مجموعه این حوادث تاریخی با دقایق و تفصیل تمام و با زبان طبیعی زمانه در شعر هیچ یک از شاعران هم‌عصر او ظاهر نشده است، حتی در شعر بهار». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۶۶-۳۵۹)

شعر نسیم شمال، عامیانه‌ترین شعر مشروطه و فراگیرترین آن است. به باور شفیعی کدکنی، این شعر نسیم شمال را می‌توان مانیفست منظوم شعر مشروطه به شمار آورد:

یاور بیوه زنانی به قلم  
حامی رنجبرانی به قلم  
خلق را روح روانی به قلم

قلمت شاخه جنات نعیم  
عاشقم بر ادبیات نسیم  
از زن و مرد همه راغب تو  
اهل بازار همه طالب تو  
می‌زند زمزمه در قالب تو  
همچو داود نبی طبع قویم  
عاشقم بر ادبیات نسیم

(همان: ۳۶۰ و ۳۶۱)

به علت گرایش بیش از حد سید اشرف به زبان روز و زوایای زندگی مردم، واژگان شعرش سرشار از کلماتی است که در فرهنگ‌ها و زبان رسمی ثبت نشده است. (همان: ۳۶۵)

فرهنگ عامه در یک تقسیم‌بندی کلی به دو بخش دانش عامه و ادب عامه تقسیم می‌شود. از این-رو، فرهنگ عامه مقوله‌ای چندبُعدی است که با انسان‌شناسی از یک سو و ادبیات از سوی دیگر مرتبط است و در پیوند با انسان‌شناسی و ادبیات، آداب و رسوم، عقاید و باورها، اساطیر، قصه‌ها، امثال و حکم، مسائل اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی- سیاسی، آیین‌ها و ... نمایان می‌شوند. در مجموع پدیدار شدن فرهنگ عامه دلایل متعددی در طول روزگاران داشته است. آداب و رسوم اجتماعی مردم و گاهی تعبیرها و برداشت‌های پیشینیان از وقایع طبیعی یا غیر طبیعی سبب پدید آمدن فرهنگ عامه شده‌اند. (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۸ و ۹). از آنجا که اشعار نسیم شمال در چهره‌ای است برای بررسی فرهنگ عامه، نویسندگان را بر آن داشت تا نگاهی به باورها، عقاید، آیین‌ها و امثال و حکم در مجموعه اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی داشته باشند.

روش تحقیق

این مقاله بر اساس منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی پس از ذکر سؤال و پیشینه پژوهش، با بررسی اشعار نسیم شمال (کلیات نسیم شمال) مهم‌ترین مولفه‌های فرهنگ و ادب عامه را استخراج کرده و ذیل هر عنوان شاهد مثال‌های مرتبط با آن را آورده و در نهایت از داده‌های به دست آمده نتیجه‌گیری کرده است.

#### پیشینه تحقیق

با وجود گنجینه‌های ارزشمندی از موضوعات گوناگون در اشعار نسیم شمال، اما عمده پژوهش‌ها روی اشعار او یا در حد زندگینامه و گزارش وقایع یا در حد ارائه داده‌هایی نه چندان خلاقانه و دقیق است. نگاهی گذرا به اشعار نسیم شمال این نکته را برای هر پژوهشگری قطعی می‌کند که می‌توان از رهگذرهای گوناگونی به اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی پرداخت. برخی از مقالات و کتاب‌هایی که درباره زندگی و شعر نسیم شمال نوشته شده‌اند عبارتند از: شمیم نسیم (زندگی و شعر نسیم شمال) از فریده کریمی موعاری، پایان‌نامه تأثیر انقلاب مشروطه بر اشعار نسیم شمال (۱۳۹۱)، از زهرا مشهدی کریمی، پایان‌نامه بررسی و تحلیل شعر نسیم شمال و تبیین جایگاه وی در شعر مشروطه (۱۳۸۹)، از محمدرضا بیرنگ، پایان‌نامه تأثیر انقلاب مشروطه بر اشعار نسیم شمال و ملک‌الشعرای بهار (۱۳۹۲)، از مهدی رادینیا، تصویر جامعه در اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی (۱۳۸۹)، بازتاب قشریندی اجتماعی در طنز نسیم شمال و افراشته (۱۳۸۳)، نگاهی به سیمای مجلس شورای ملی در نسیم شمال (۱۳۸۹)، بازتاب مشروطیت در اشعار نسیم شمال (۱۳۸۶). در حوزه ادب عامه پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته اما تحقیق منسجمی که روی اشعار

نسیم شمال منتشر شده باشد و دقیق و شامل داده‌های متفاوت و قابل تأملی باشد وجود ندارد. ناگفته نماند که چند پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد یافت شد که با وجود جست‌وجوی بسیار مقاله منتشر شده‌ای از آنها در دسترس نبود. مقاله «کلیشه‌های زبانی در متون کلاسیک ادب عامه فارسی و بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی» از حسن ذوالفقاری دو مقاله مرتبط با ادب عامه است که در این پژوهش از آنها استفاده کردیم.

### بحث و بررسی

#### ۱. باورهای مذهبی

بیان باورهای مذهبی در دیوان باغ بهشت هم به صورت اشاره و ذکر اصطلاحات، واژه‌ها و داستان‌های قرآنی است و هم هر جا مناسبتی تاریخی یا اجتماعی دست داده است، سید اشرف‌الدین شعرهایی در وصف پیامبر، امام زمان، اعیاد مذهبی چون مبعث رسول اکرم (برای نمونه السلام ای آفتاب لامع بوج حیا/گفت در وصف شب معراج ذات کبریا، ص ۷) یا حتی وقایعی مثل بمباران حرم امام رضا(ع) (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۳۴) در خلال آثارش آورده است.

ذکر همه این مناسبت‌ها و مسائل، در نشریه‌ای که به دست مسلمانی معتقد و در جامعه‌ای مسلمان منتشر می‌شود عجیب نیست، اما آنچه نوشته‌های نسیم شمال را متمایز و قابل بررسی کرده زبان و زاویه دید اوست. او چون هر نویسنده و هنرمندی از همه امکانات زبانی، فرهنگی، علمی و مذهبی جامعه و روزگارش برای انتقال مفاهیم و بیان آنچه که می‌خواهد، بهره گرفته است.

آوردن اصطلاحات، تعابیر، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها در خلال بیان مسائل مذهبی یا بالعکس از این ویژگی‌هاست. در وصف رسول اکرم می‌گوید: «خاک پایت دیده‌ها را روشنایی می‌دهد/ بر فقیران قدرت معجزنمایی می‌دهد». (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۷) یا جایی دیگر در این بیت: «یا هو تو که درویشی در میکده بیرق‌زن/حقگوی تویی امروز فریاد اناالحق زن». (همان: ۴۷) «تا فلک می‌رفت از زوار بانک شور و شین/گشت از توپ شربل تار چشمه خاقین». (همان: ۳۵) «زیر پا افتاده فرمان مطاع ذوالمنن/روز و شب در وحشت و دهشت جمیع مرد و زن». (همان: ۳۱) این چند نمونه از معمول‌ترین اشعار مذهبی اوست که فارغ از مردم، فقر و دردهایشان که به گمان او برآمده از شرایط سیاسی اجتماعی ایران است، نیست.

سید اشرف‌الدین با بیان اندیشه‌های مذهبی به دنبال بیان مسائل فقهی و اعتقادی و یادآوری مناسبت‌های مذهبی نیست. او می‌خواهد نشریه‌اش آینه‌ای در برابر جامعه‌اش باشد؛ جامعه‌ای که حداقل مشکلاتش تغییر چند پادشاه در مدتی کوتاه بوده، مشروطه را پیش سرگذاشته و در حاشیه جنگی ویرانگر در اروپا ایستاده است، جنگی که اروپا را ویران کرده و در حال مکیدن خون مردم ایران است، مردمی که گویا ترجیحاً نباید از چنین جنگی باخبر باشند. (همان: ۴۰) در این شرایط اجتماعی و سیاسی آنچه بیش از همه چیز در ایران به چشم می‌آید، فقر است: «هم مگر همت مولا مددی فرماید/دری از

غیب به روی فقرا بگشاید». (همان: ۹۰)

گیلانی ابزارهایی را که از مذهب در اختیار دارد، این گونه برای بیان اندیشه‌ها و دغدغه‌های اجتماعی-اش به کار می‌گیرد: «حق غریق رحمتش سازد که ساخت/روز اول این بنای مدرسه». (همان: ۵) ساختن مدرسه و گسترش علم یکی از دغدغه‌های جدی سیدگیلانی یا به قولی قزوینی است. او زنان را بارها به رفتن به مدرسه و کسب دانش تشویق می‌کند و در این بیت می‌بینیم که ثروتمندان را با وعده رحمت الاهی به ساخت مدرسه ترغیب می‌کند یا در شعری با عنوان «گفت‌وگوی انبیاء راجع به صلح» در عین بیان پاره‌ای نکات مذهبی مدام از زبان انبیاء نقل می‌کند که همه یکی هستیم: «گفت پیغمبر به موسایی کلیم/ما تمامی یک زبان و یک دلیم» (همان: ۵۲) و مدام از زبان پیامبران و زبان شاعر آرزو می‌کند صلح جهانی برقرار شود و جنگ اروپا نیز به‌زودی به پایان برسد.

در شعری با عنوان «گوش شنوا کو» در خطاب به حکومتی بلا تکلیف و دچار تعارض، از بی‌عدالتی‌ها در حق مردم و مسائل و مشکلاتشان می‌گوید و در ضمن آن به مسئله وقف و امر به معروف و لزوم انداختن شال عزا اشاره می‌کند و در همان‌جا مردم را این‌گونه توصیف می‌کند: «مردم همگی مست و ملنگند به بازار/از دین شده بیزار/انصاف و وفا و صفت شرم و حیا کو/گوش شنوا کو». (همان: ۲۷) همین برخورد را از او در این بیت بینیم: «در زلزله افکندی ارکان عقاید را / با توبه و استغفار مستغرق رحمت شو». (همان: ۴۸)

سیداشرف‌الدین نقدها و اعتراض‌هایی هم به مذهب و آنچه مذهب در جامعه اسلامی به وجود آورده یا سوءاستفاده‌هایی که حکومت‌ها از مذهب

می‌کنند، دارد: «ز اختلاف روایات به هم درآمیزیم/ همه محمدیان خون همدگر ریزیم». انتقاد از شرایطی که دو مسلمان به‌خاطر اختلاف در روایتی خون یکدیگر را می‌ریزند یا این بیت که ترجیع‌بند شعری درباره‌ی مشروطه‌طلبی که از باکو است: «پس یقین آن سگ بی‌دین عملش تکراری است/ایها الناس بگیری که ملعون بابی است». (همان: ۵۶) او با تکرار این بیت سرنوشت این مشروطه‌طلب را پیش‌بینی می‌کند، تهمت ملعون ضد دین بستن به یک نواندیش و خواستار اصلاح جامعه که در آن دوره بسیار هم باب بوده است.

نسیم شمال در کنار این نقدها، از همه امکاناتی که دین و مذهب در اختیارش قرار می‌دهد، برای نهادینه کردن مسائلی که نیاز روز جامعه است، اما جامعه سنتی و گاهی مذهبی در برابر آن مقاومت می‌کند، بهره می‌برد: «فرمود ختم مرسلین/تحصیل علم و خط و دین/از بهر نسوان الزم است/ای دخترک بیدار شو» (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۷۹) یا در شعری که «عاقبت ایران» نام دارد، بنا شدن هر مدرسه در هر کوچه را برابر با درک چنین فضایی می‌داند: «از فضای لامکان باد بهشتی می‌وزد/بلبل قدس الهی بر سر گل می‌وزد/ دشمن اسلام از وحشت همی لب می‌گزد/پهن می‌گردد بساط عیش خوبان ای نسیم»، اما نسیم و مسائل مربوط به زنان و اعتقادات مذهبی:

دختری دیدم که از عفت به رخ بسته نقاب  
در میان چادری پنهان شده چون آفتاب  
چون بدیدم آن حیا وان عفاف و آن حجاب  
گفتمش احسنت و خواندم این دو شعر مستعاب  
دختران را یار جانی عصمت است و عفت است  
لاله باغ جوانی عصمت است و عفت است

اولا بایست دختر صاحب صنعت شود

ثانیاً در خانه شوهر رود راحت شود

(نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۱۸۱)

یک چادری از عفت و ناموس به سر کن

وانگاه برو مدرسه تحصیل هنر کن

(همان: ۱۴۰)

باور نسیم شمال دربارهٔ حجاب زنان، «چادر»

است. بدیهی است که این نوع نگاه بسته به شرایط

حاکم آن روزهاست و البته که باورهای مذهبی خود

نسیم هم فارغ از باور غالب در عصر مشروطه

بی‌ارتباط به اعتقادش به چادر یا همان حجاب برتر

نیست. از همین ابیات برمی‌آید که زن خوب چه

ویژگی‌هایی دارد. زنی که باحیاست و زن باحیا زنی

است که حجاب دارد و حجاب یعنی چادر. نسیم

شمال چادر را برابر با عفت و ناموس گرفته و بر این

باور است که زنی باید به تحصیل علم بکوشد که باحیا

باشد. به عبارت دیگر، او به حضور زنان در اجتماع به

شرط برقراری عفت و حیا باور دارد. آنچه در این بین

حائز اهمیت است آن است که نسیم شمال به هیچ

وجه مانند افراطیون حجاب زنان عمل نمی‌کند و از

همین ابیات باور او دربارهٔ اشتغال و ضرورت حضور

زنان در جامعه مشخص است. می‌گوید زن با حفظ

حیا و عفت خود به «تحصیل هنر» پردازد. پس نسیم

شمال باور دارد که زنان اجتماع باید دوشادوش مردان

به کسب مهارت مشغول شوند تا جامعه بارور و

شکوفای شود. در بیت «اولا بایست دختر صاحب

صنعت شود/ثانیاً در خانه شوهر رود راحت شود»،

شرط نخست را برای دختران یادگیری مهارت و

صنعت ذکر می‌کند و سپس او را به ازدواج تشویق

می‌کند. حال اینکه منظور نسیم شمال از صاحب

صنعت شدن، یادگیری امور خانه‌داری است یا فنّ و

مهارتی خارج از خانه، به مهارت‌آموزی زنان باور

جدی دارد.

و در جای دیگر:

هم مگر همت مولا مددی فرماید

دری از غیب به روی فقرا بگشاید

(همان: ۹۰)

اندرین عید غدیر ای ساقی سیمین عذار

زینهار از کف مده جام شراب خوشگوار

مست کن ما را ز عشق حیدر دلدل سوار

در فلک خیل ملک گویند هر دم آشکار

لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

(همان: ۱۰۲)

در بیت نخست با واژه‌های جام شراب و

خوشگوار این نکته به ذهن متبادر می‌شود که نسیم

شمال هم مانند حافظ و شاعرانی از این دست به

می‌نوشی دعوت کرده، اما در بیت بعد می‌گوید: ما را

از عشق حیدر دلدل سوار مست کن و بار دیگر وجه

مذهبی اعتقادش را به تصویر می‌کشد که باید مست

شد آن هم از عشق علی. در ادامه اشاره به: آدم خاکی

چو بیرون شد ز گلگشت جنان/در سرانندیب بلا

گردید با غم همعنان. (همان: ۱۰۳)

عمدهٔ صنایع ادبی که نسیم شمال از آنها بهره

می‌برد، تشبیه، کنایه و تلمیح است. اشاره به داستان

حضرت آدم (ع) و ماجرای رانده شدنش از بهشت

تلمیحی است تکراری و امروزه ساده و غیر هنری که

با تشبیه «سرانندیب بلا» ترکیب شده و اوج بهره‌گیری

نسیم شمال از آرایه‌های ادبی از همین حد بیشتر تجاوز نمی‌کند.

## ۲. ضرب‌المثل‌ها و کنایات

برخورد با ضرب‌المثل‌ها و کنایات یکی از لذت‌بخش‌ترین بخش‌های مطالعاتی در باب فرهنگ عامه است. آنچه عامه مردم با زبان خود می‌آفرینند که به فرهنگ غنا می‌بخشد و هر ادبیاتی را بارور می‌کند، درست همین نقطه است. ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌هایی که بر اساس تجربیات و اندیشه مردم که به‌نوعی همان باورهای آنهاست، بنا شده است.

«سال‌ها می‌باید از عمر مثلی بگذرد تا بر زبان مردم جاری شود و بسیاری از مثل‌های کهن امروزه نیز رایج‌اند. این نکته مبین این واقعیت است که بسیاری از عادات و خلیقات امروز مردم ما، شبیه به عادات و رسوم قرن‌ها پیش است و این نکته در مطالعات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی قابل تأمل و توجه است؛ ضرب‌المثل‌ها انعکاس فرهنگ عقاید و باورهای گذشتگان نیز هستند».

(ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۶)

سیداشرف‌الدین نیز در سلسله نویسنده‌گانی است که برای همراه کردن مردم با قافله مشروطه و آگاه کردنشان با پیشرفت‌های روز جوامع دیگر، نشریه خود را چون ملانصرالدین و صوراسرافیل به زبان و لحن مردم منتشر می‌کرد. زبانی که استادانی چون محمدجعفر محجوب آن را دارای سبک و سیاقی مستقل می‌دانستند که باید جدای از دیگر نوشتارها و سبک‌ها بررسی شود. (محجوب، ۱۳۴۱: ۲۱۲) گیلانی این طرز را انتخاب کرده و در شعری نوشته است: «من این شعر شیرین همچون عسل / نوشتم به عنوان ضرب‌المثل». (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۲۱) با توجه به

اینکه تعداد زیادی از ابیاتی که ترجیع‌بند برخی شعرهایش بوده‌اند امروز وارد زبان مردم شده و کاربرد بسیاری دارند، می‌توان گفت که او به راستی به هدفش رسیده است. برای مثال این بیت: «آنکه شیران را کند روبه مزاج/ احتیاج است احتیاج است احتیاج» یا این بیت: «ریشخند دردمندان شیر را خر می‌کند». (همان: ۱۵)

پیش از نگاهی اجمالی به کنایات و ضرب‌المثل‌های عامیانه‌ای که آورده و تحلیل و بررسی آنها، طرح نکته‌ای خالی از لطف و فایده نیست. نسیم شمال در انبوه ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌هایی که آورده است، ضرب‌المثل‌های کمی را در قالب حکایت نقل کرده و تقریباً در آثار او ساختار حکایت به شیوه قدما را که در واقع قرن‌ها راه ارتباطی علما و نوابغ جامعه با مردم بوده به سبک کتاب‌های کلاسیک در اشعار او نمی‌بینیم. آن حکایت این است: در حدیث آمد که در قعر درک

عقربی باشد سیاه چنبرک

چون به عاصی می‌کند نیشی فرو

می‌شود عاصی ز افعی چاره جو

فکر کن بر عقرب و افعی درست

باز رحمت بر کفن دزد نخست

(همان: ۲۴)

این نکته و دیگر تفاوت‌ها در نشریه نسیم شمال وجه تمایز این نشریه با دیگر منابع قابل پژوهش در شناخت فرهنگ عامه است. سیداشرف‌الدین قصد بیان داستان ندارد و کم پیش می‌آید که شما با داستانی چارچوب‌دار در میان اشعارش برخورد کنید. برای همین زبان و آثار او تنها با ویژگی‌هایی چون سرگرم‌کنندگی، زبان و آموزشی بودنشان (جعفری قنواتی،

(نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۲۶) که این حنا به ریش بستن با بسآمدی بالا در جاهای دیگر هم در شرایط و معانی دیگر دیده می‌شود.

در شعری دیگر با همین مضمون می‌گوید: «ریشته قرمز ز حنا کن حنا/بر زنخت دوده گلخن بگیر» (همان: ۳۷) (ملا حسن زود برو زن بگیر)، اینجا هم به پیری طعنه می‌زند که حواسش به شرایط ممکنیت و سختی‌ها و عقب‌افتادگی‌ها نیست. (همان: ۶۹، ۶۳ و ۵۷) یا در معنایی دیگر «ریش طمع ما ز حنا رنگ نمی‌شد/این ریش محنا کمرم را بشکسته» (همان: ۳۰) یا «می‌کشد از غصه پیایی حشیش/جای حنا بسته به ریشش سریش» (همان: ۷۰) که مقابل غم قرار داده حنا بستن را یا اینجا که در میان نقل بازی‌ها آورده است: «ز بی بی و سرباز شاه ظریف/ حناها بیندم به ریش حریف». (همان: ۲۲) این اشاره به حنا بستن که در ضمن رفتارهایی اجتماعی مطرح می‌شود، عادت‌های رفتاری مردمان روزگار نسیم شمال را نشان می‌دهد که در دانش مردم‌شناسی بسیار اهمیت و کاربرد دارد.

در شعر گفت‌وگوی ارباب با فعله رنجبر:

ای فعله تو هم داخل آدم شدی امروز/بیچاره چرا میرزا  
قشمشم شدی امروز. (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۹۱)

«مطالعه مثل‌ها به ما نشان می‌دهد که پدران و نیاکان ما چگونه فکر می‌کرده‌اند و ما را با روحيات آنان آشنا می‌سازد. طبیعی است که نسل آینده با اتکا به چنین ذخیره فرهنگی می‌تواند به سنت‌های پسندیده تاسی جوید و آنها را پیش روی خود قرار دهد و هنجارهای منفی را از مدار زندگی خارج سازد». (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۶)

۱۳۸۴: ۸۸-۸۷)، با ادبیات عامیانه و شفاهی ما وجه اشتراک دارند.

با وجود این، او در بیان نکات اخلاقی و تعلیمی از نظامی، سعدی، حافظ و فردوسی تأثیر پذیرفته و گاه از آنها ابیاتی را نقل کرده یا اشعار مشهور آنها را ترجیح‌بند کرده که در ادامه مقاله آمده است.

گفت‌وگو در شعر یکی از شیوه‌های پرکاربرد در کلام نسیم شمال است؛ اگرچه آنها داستانی یکپارچه نیستند و در حد بیان منظور نویسنده باقی می‌مانند. برای مثال از شعر «گفت‌وگوی پدر بی‌ادب با پسر بی‌ادب» برای نشان دادن فاصله زیاد سطح نیازهای مردم با مشکلات و حقایق اجتماعی که باید از سوی آنها دیده شود، بهره می‌برد و در عین حال عامیانه‌ترین کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها را از زبان آنها می‌شنویم. در این شعر پدری قصد گرفتن زنی جوان دارد بعد از چهار زن، پسرش که با این کار او مخالف است با طعنه‌ها و کنایه‌هایی سعی در منصرف کردن پدر دارد که پدر نیز در مقابل با پاسخ‌هایی کنایه‌آمیز او را مسخره می‌کند؛ چنان‌که از نام شعر بر می‌آید این گفت‌وگو آنچنان مودبانه هم نیست.

با آوردن ضرب‌المثل‌هایی از پایین‌ترین سطح جامعه که چشمگیرترین آن حنا نهادن به ریش در شکل‌های مختلف با معنایی چون جوان شدن و شادی است، هم داستانی هیجان‌انگیز را برای مخاطبانش طرح می‌کند و با حسرتی پوچی این رفتارها و این نوع گفت‌وگوها را نشان می‌دهد، اما بیت‌های حنایی: «تو هم جان بابا حنا نه به ریشت / سه دختر گرفتی همه قوم و خویشت» پسر گوید: «تو هم ای پدر هر سحر وقت دسته/ به حمام رو ریش را و سمه بسته»

تعبیر «میرزا قشمشم شدن» تعبیری است که امروزه میان مردم رواج دارد و عموماً به منشی‌هایی اطلاق می‌شود که ادعاهای واهی دارند. هر چند این تعبیر امروزه در قالب ضرب‌المثل زیانزد است، اما کمتر کسی می‌داند که از نسیم شمال باشد. یا تعبیر «شاه وزوزک»، «از عهد شاه وزوزک یلزم حکایت می‌کنی / طعنه‌زنی ز شعر خود به صاحبان طنطنه (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۳۳) یا فسفس کردن در این بیت: «این همه قلقل که هنسس می‌کند / همچون قلیان است فسفس می‌کند». (همان: ۲۵)

در میان ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و تکیه کلام‌ها برخی از خود نسیم شمال و برخی نقل قول است. برای مثال «سال دیگر که مرده که زنده» امروز به وفور در کلام شفاهی به کار می‌رود. ای که بر خالقی پرستنده

چند گویی دهان پر از خنده  
میکنم توبه سال آینده

سال دیگر که مرده که زنده (همان: ۹۴)  
در شعر صحبت چهارده نفر در یک مجلس، طمعکار: من خدا را خاطر خرما عبادت می‌کنم (همان: ۹۶)؛ جمله «من خدا را خاطر خرما عبادت می‌کنم» با اندکی تغییر امروزه به صورت خدا را به خاطر خرما خواستن و حتی فلانی هم خدا را می‌خواهد و هم خرما را استفاده می‌شود. در دیوان نسیم شمال ضرب‌المثل‌ها و تعابیر برای مقاصد سیاسی و اجتماعی شاعر استفاده می‌شوند و کاربرد بجا و مناسب هر کدام از تعابیر به خوبی نشان‌دهنده شناخت و درک صحیح شاعر از مسائل روز و دقایق ادبی است.

شبی در خواب دیدم محرمانه

عروس تازه آوردم به خانه

بریدم رخت دامادی شبانه  
چنین میگفت رقاص زنانه  
شتر در خواب بیند پنبه دانه

(همان: ۱۱۸)

تو را چه کار که سنگک سیاه یا تلخ است  
تو را چه کار که امروز غره یا سلخ است  
همان حکایت دیوان قاضی بلخ است  
گناه کردن علاف و کشتن حداد است  
زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد

(همان: ۱۳۴)

گاهی ترکیب چند کنایه و ضرب‌المثل اوج به کارگیری صنایع ادبی و یکی از هنرهای نسیم شمال است که با استفاده بجا و منطقی چند تعبیر کنار یکدیگر به خوبی از عهده به تصویر کشیدن معنا و هدفی که دارد، موفق ظاهر می‌شود. حکایت قاضی بلخ و گناه کردن علاف و کشتن حداد و زبان سرخ سر سبز بر باد دادن از آن جمله است.

سیدی گفت شب جمعه به یک ملایی  
ای که در سینه‌ات از علم بود دریایی  
در لب حوض چرا مضطرب و تنهایی  
خوشتر از مدرسه امروز نباشد جایی  
وای اگر از پی امروز بود فردایی

(همان: ۱۳۵)

«وای اگر از پی امروز بود فردایی» نقل قولی است از بیت حافظ: اگر مسلمانی ازین دست است که حافظ دارد/ وای اگر از پی امروز بود فردایی. قطعاً به کارگیری این چنینی شاعر از مصرع حافظ به جاودانگی و بهره‌گیری بیش از پیش آن کمک شایانی کرده است.

ملتفت حریف شو مست و ملنگ می روی

خدا، تو را در مدرسه اندازم تا آن علم مرده‌ریگ ایشان  
 بیاموزی و دانشمند شوی و تا زنده باشی در مذلت و  
 ادبار بمانی و یک جو از هیچ جا حاصل نتوانی کرد» و  
 در اصل تحت تأثیر عبید، اما با شیوهٔ خلاقانهٔ خود نسیم  
 است. خلاقیت او در استفاده از اصلاحات مشهور و رایج  
 عامه در بیت برگردان قالب‌های ترجیع‌بند یا مسمط‌های  
 اوست. ناگفته نماند به نقل از دهخدا آمده که: «این شعر  
 در نسخهٔ دیوان انوری نیز دیده شده»، اما شهرت این  
 شعر و زبانزد شدنش مدیون هنر نسیم شمال است.  
 (کریمی موغاری، ۱۳۸۲: ۱۰۸) از این رو، می‌توان نسیم  
 شمال را در عصر مشروطه یکی از هم‌پوران عبید زاکانی  
 دربارهٔ علم و درس خواندن دانست. البته در اشعار  
 بسیاری هم بارها و بارها علم و دانش را ستایش کرده و  
 بر لزوم گسترش علم در سرزمین‌های مسلمان و ایران  
 تأکید کرده است.

در شعر «بیکس وطن»، تشبیه وطن به عروس و  
 در بجایی دیگر به مادر از تشبیه‌هایی است که شاعران  
 مشروطه برای برانگیختن حس وطن دوستی و حس  
 غیرت آن را ساخته‌اند: «مادر بین عروس وطن بی  
 جهاز شد / آخر به طعنه دست اجانب دراز شد».  
 (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۵۶)

کنایه‌هایی نیز که آورده به خوبی یاور او در  
 رسیدن به پایین‌ترین طبقات جامعه است: «دل آماس  
 کردن» (همان: ۶۰)، «خواب خرگوش» (همان: ۶۳)،  
 «طشت از بام افتادن کنایه از رسوایی» (همان: ۶۴)،  
 «پای لنگ راه سخت»، «گرم شدن بازار»، «کور شدن  
 حسودان» (همان: ۳۴)، «گوش چرخ کر شدن»،  
 «خشت از بام افتادن»، «قسم خوردن به سبیل» (همان:  
 ۳۳)، «ملتی را خوار و مفلس کرده‌ای/ بارک الله نقره

می دود از قفای تو داش حسن و نجفقلی  
 حال که میروی برو ده برو که رفتی بامبولی  
 (همان: ۱۴۶)

بهره‌گیری نسیم شمال از زبان کوچه و بازار و  
 لحن عامیانهٔ کلام او علاوه بر اینکه بر آسان‌یاب بودن  
 مفاهیمش کمک کرده، به پذیرش اشعارش نیز کمک  
 کرده و با ایجاد حس صمیمانه بین گوینده و خواننده،  
 حالتی از طنز نیز چاشنی کلام او شده است. «مست و  
 ملنگ رفتن» و «ده برو که رفتی بامبولی» از جملهٔ این  
 تعبیر عامیانه است که امروزه نیز کاربرد دارد.  
 کلیشه‌های زبانی شامل نفرین‌ها، دشنام‌ها، دعاها،  
 سوگندها، تهدیدها، تکیه کلام‌ها، متلک‌ها و کنایات و  
 امثال است که برای بازتاب مسائل گوناگون به‌عنوان  
 یک ابزار به کار می‌روند. کلیشه‌های زبانی متنوع و  
 زایا هستند، جنبهٔ شفاهی دارند و قابل ترجمه و معنی  
 نیستند بلکه باید آنها را توصیف و تشریح یا با  
 اصطلاحات دیگر معنی کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱:  
 ۲۸۴).

خواهی که شود بخت تو فرخنده و فیروز  
 خواهی که شود عید سعیدت همه نوروز  
 خواهی که شود طالع تو شمع شب افروز  
 خواهی که رسد خلعت و انعام به هر روز  
 رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز (همان: ۱۰۷)

این ابیات نسیم شمال یادآور حکایتی از عبید  
 زاکانی است آنجا که می‌گوید: «لولی‌ای با پسر خود  
 ماجرا می‌کرد که: «تو هیچ کاری نمی‌کنی و عمر در  
 بطالت به سر می‌بری؛ چند با تو گویم که معلق زدن  
 بیاموز و سگ از چنبر جهانیدن و رسن‌بازی تعلم کن تا  
 از عمر خود برخوردار شوی. اگر از من نمی‌شنوی به

به شمشیر شیرویه شیرگیر/ که در پهلوانی بدی بی نظیر  
به تیر خدنگ امیراسلان/ که بودی صد و شصت من  
وزن آن  
به توپ «هویزر» که وقت خروش/ از آواز او کر شود  
گوش و هوش (همان: ۱۳۲)  
و در جایی که از اهمیت داشتن قشون می‌گوید و  
ضرورت داشتن قشون از فردوسی نقل می‌کند:

چه خوش گفت فردوسی نامور

به شهنامه از گفته زال زر

به زر می‌توان لشکر آراستن

و زو وعده دشمنان کاستن (همان: ۲۱)

#### ۴. غذاها و خوراکی‌ها

سید اشرف‌الدین در ضمن اشعارش از خورشت‌ها و  
خوردنی‌های بسیاری نام می‌برد که اغلب برای نشان  
دادن تفاوت‌های اجتماعی و طبقات مختلف جامعه  
است. در شعری با عنوان «قیمه با غین نیست» منظره  
مادر و دختر فقیری را نشان می‌دهد. «ز قاف و ز غین  
قیمه ناخورده ناکس/ فقط روغن و گوشت بایست و  
بس» (همان: ۲۱) خانواده‌ای که برای قیمه‌شان گوشت  
روغن ندارند یا در همان شعر مادری در پاسخ به  
دخترش می‌گوید: «دختر آخر ما کجا و  
نان کجا/ عکس نان را بنگر اندر آینه».

ز حلویات رنگارنگ شیرین/ ز سوهان قم و سوغات  
نائین

از آن نان برنجی‌های قزوین/ بیامد از برایم بارخانه

شتر در خواب بیند پنبه دانه (همان: ۱۱۸)

به حلوا مسقطی میگفت پشمک/ بزن بر راحت

الحلقوم چشمک (همان: ۱۱۸)

را مس کرده‌ای، گربه می‌رقصانی از جفت و تک/ آخر  
ای مومن چه شد حق نمک». (همان: ۲۴)  
پدر مگر و کلا فکر ما نمی‌باشند/ چرا ولیک به ما خاک  
مرده می‌پاشند (همان: ۶۶)  
گاه اظهار غنا و بی‌نیازی می‌کنی/ گاه مانند شتر گردن  
درازی می‌کنی (همان: ۶۸)

#### ۳. پهلوانان و اسطوره‌های ایرانی

اگرچه شاید کاربرد اصطلاحاتی از دل اسطوره‌ها برای  
بررسی فرهنگ عامه در یک اثر معمول نباشد، از سیدی  
که معمولاً از افسانه‌های داستان‌های عامیانه رایج در میان  
مرد گذشته است، پرداختن به این نام‌ها و اسطوره‌ها  
جالب است. جامعه‌شناسان در تحلیل این نام‌ها در میان  
اثری چون نشریه نسیم شمال می‌گویند: شاعران برای  
برانگیختن مردم با یادآوری گذشته درخشان، پهلوانان  
و پادشاهان اساطیری می‌کوشند تا به واسطه عضویت در  
حرکت به سوی پیشرفت، از منابع تمدن برخوردار  
شوند». (رنجبر، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

یک نفر هشیار نبود دوره مستان شده/ ملت گیگاوس  
از غفلت مزارستان شده (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۳۱)  
جمشید جم این بساط چیده / از جم به عجم مهین  
نوید است (همان: ۴۲)

با ادب بنشسته شاهان عجم / داریوش و بهمن و  
جمشید جم (همان: ۴۹)

جمشید و کیقباد چه شد داریوش کو / ای جان ناز و  
نعمت و عز و علا وطن (همان: ۵۵)

هم مگر لطف شهنشاه عجم (شاه احمد) وارث اورنگ  
جم (همان: ۶۲)

از بزرگان همه تنقید مکن / یاد از رستم و جمشید مکن  
(همان: ۱۲۵)

البته که در این میان به آیین‌ها و چگونگی  
برگزاری هم اشاره می‌کند اینکه چه بر سفره می-  
گذارند و ... که در ادامه پاره‌ای از آنها را می‌آوریم:  
آن سین هفت سین بیارید/با سبزه و سنجد و سپستان/  
سورنج و سماق و سرکه و سیر/آرید به صفه گلستان  
(همان: ۴۳)

شب عید است بکن هلهله بونژورمسیو/ (همه شب  
باده بخور) خوراکی‌ها

این شب عید است بکن عیش و حال / رو سوی بازار  
بخر با جوال (همان: ۳۶)

گوش بر صحبت هر لوطی الدنگ نکن / فصل عید  
آمده ترک می‌گلرنگ نکن.

عیدی بدهید فصل عید است/ این عید برای ما سعید  
است (همان: ۴۲)

امسال هم به خوبی شد سالمان جدید / ای ساکنان  
تهران، ایامکم سعیدا (همان: ۴۵)

در یکی از سال‌های نو می‌گوید امسال سال خرگوش  
است:

– گردیده توشقائیل یعنی که سال خرگوش / تقویم  
هم نوشته شرحی ز حال خرگوش

تا عاقبت چه باشد خواب و خیال خرگوش / الطافکم  
مزیدا ایامکم سعیدا. (همان: ۴۶)

یا در جایی درباره معنای تحویل سال توضیح  
می‌دهد:

سوال کرد ز من یک نفر ز اهل کمال/که چیست  
معنی(تحویل) اول هر سال

جواب گفتمش از قول فیلسوف عجم/که مانده‌در  
عجم این یادگار ز جم

بچیدم هفت سین اندر شبستان/سماق و سنجد و سیب  
و سپستان

سپند و سیر و سبزی های بستان/زدم بر ریش خود از  
ذوق شانه

شتر در خواب بیند پنبه دانه (همان: ۱۱۹)

فصل کنگرماست بورانی خوش است/در میان باغ  
مهمانی خوش است

آن فسنجان‌های گیلانی خوش است/این غزل از قول  
طهرانی خوش است (همان: ۱۲۳)

به ارزانی سبزی و اسفناج/به بازار کاهو که دارد  
رواج/به ارواح فالوده و بستنی/به حلوا و سوهان

نشکستنی/به ارواح شفتالو و خربزه/به قیماق تازه که  
دارد مزه/به صف‌بندی جوجه زیر پلو/به جان فسنجان

به روح چلو (همان: ۱۳۳)

گاهی تشخیص مرز بین طنز و جدی نسیم شمال  
دشوار می‌شود؛ چراکه یکی از شگردهای هنری او،

بیان مسائل جدی در قالب طنز و فکاهی است.  
(یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۸۷)

##### ۵. مناسبت‌های آیینی

یکی از آیین‌های ایرانی که سید گیلانی بارها و بارها  
از آن یاد می‌کند نوروز است. گاه برای تبریک عید و

مناسبت تقویمی و گاه در خلال گفتار و بیان دغدغه-  
های فردی و اجتماعی‌اش، برای مثال در اینجا:

– شب عید است ای ملا ندانم/زر از مخزن بگیرم یا  
نگیرم (نسیم شمال، ۱۳۳۳: ۳۵)

– عید آمد و ما قبا نداریم/با کهنه قبا صفا نداریم  
(همان: ۴۱)

زبرج حوت و به برج حمل چو شد خورشید/ نشسته بود به اورنگ خسروی جمشید (همان: ۲۴۱)

برخی از اشاره‌های برای مطالعات مردم‌شناسی بسیار کاربردی است. برای مثال در شعری که گفت- و گوی یک مادر و دختر، مادر برای دختر از آداب و رسوم پختن سمنو می‌گوید:

اولا دیگ بزرگی باید / گندم و سبز و سترگی باید  
جمع باید بکنی مردم را/ آب باید بکشی گندم را ....  
جمع گردند ز نسوان و بنات / دور دیگ سمنو با  
صلوات ....

چون بجوشد سمنو وقت سحر/ می‌شود سبزه تر قند  
و شکر  
سبزه بیمزه گردد شیرین/ بلی از معجزه گردد شیرین  
(همان: ۵۴)

#### ۶. موجودات فراطبیعی و باورهای غلط

یکی از باورهای عامیانه‌ای که نسیم شمال مبارزه جدی با آن دارد، خرافات و باورهای غلط است. باورهایی که گاه مبارزه با آن چون مسائل مذهبی منجر به تکفیر می‌شود از سوی جامعه:

مطالب نسیم را تمام تفسیر می‌کنن/ منکر غول و جن  
نشو و گرنه تکفیر می‌کنن (همان: ۳۳)

در بین این انتقاد می‌توان به چگونگی رفتارها و باورهای آن روز جامعه نسیم شمال نیز پی برد:  
فال تو خوب آمده دنباله کن/ رو به سوی خانه دلاله کن  
شنیده‌ام که در این شهر پول‌ها دارند / بلی ولی بسر  
پول غول‌ها دارند. (همان: ۶۵)

#### بحث و نتیجه‌گیری

نسیم شمال با شیوه‌ای خلاقانه که مختص اوست، به فرهنگ عامه، اصطلاحات رایج، ضرب‌المثل‌ها و کنایات، ایران باستان، سیمای مجلسیان، غذاها و خوراکی‌ها چه در قالب طنز و فکاهی و چه در قالب جد متوسل می‌شود. بسیاری از تعابیر و اصطلاحات رایج که پیش از نسیم شمال در اشعار دیگران وجود داشته، با کاربرد متفاوت نسیم در قالب‌های جدید مسمط و مستزاد از شهرت بیشتری برخوردار شده‌اند. گاهی برخی اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها امروزه رایج‌اند و در زبان کوچه و بازار به حیات خود ادامه می‌دهند، اما کمتر کسی می‌داند که اینها از نسیم شمال است مانند (میرزا قشمشم شدن). دیوان نسیم شمال منبع مستندی برای آگاه شدن از انواع خوراکی‌ها و غذاهاست. غذاهایی مانند چلو و فسنجان که بسامد بالایی در اشعار او دارد و بیانگر این است که فسنجان از غذاهای مرسوم زمانه اوست. اصولاً بهره‌گیری از صنایع ادبی در اشعار نسیم به عنوان شاعر مرکزی عصر مشروطه اندک و ساده است و همان صنایع ساده مانند کنایه و تشبیهی که در صدر آرایه‌های ادبی در دیوان اویند، در خدمت مقاصد سیاسی، اجتماعی و نمایاندن فرهنگ و ادب عامه روزگار او هستند. سیداشرف‌الدین در انتقاد و کنایه به وضع جامعه در مقایسه با هم‌عصرانش مردی معتدل است که به هیچ وجه زبان ریکی ندارد و برای مثال اگر در جایی به مقوله علم و سواد نگاهی انتقادی دارد با توجه به شرایط حاکم در جامعه به ویژه برای نسل روشنفکر، به سوادآموزی و کسب علم تشویق می‌کند و نگاهش نگاهی امیدوار است. او حتی در نخستین شعر کتاب باغ بهشت، شعری با عنوان «عاقبت ایران» آورده است که با تکیه بر دانش سرشار از امید به آینده‌ای روشن است.

ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). «بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *نجوای فرهنگ*، شماره ۳، صص ۱۵-۲۴.

\_\_\_\_\_ (آذر و دی ۱۳۹۶). «کلیشه‌های زبانی در متون کلاسیک عامه فارسی». *جستارهای زبانی*، دوره هشتم، شماره ۵، پیاپی ۴۰.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *باورهای عامیانه مردم ایران*. چاپ سوم. تهران: چشمه.

رنجبر، محمود و صفایی، علی (۱۳۹۳). «بازخوانی جامعه‌شناختی نظریه بلا و در شعر سیداشرف‌الدین گیلانی». *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۶، شماره ۲.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه در جست و جوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*. تهران: سخن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات*. تهران: سخن.

کریمی موغاری، فریده (۱۳۸۲). *شمیم نسیم؛ زندگی و شعر سیداشرف‌الدین (نسیم شمال)*. تهران: ثالث.

گیلانی، سیداشرف‌الدین (۱۳۳۳). *باغ بهشت*. تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۱). *مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال دهم، شماره ۲، صص ۲۱۱-۲۲۷.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹). *چشمه روشن*. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.

تلاش او برای هدایت مردم با پرهیز از عوام‌زدگی است. در عین حال اصلاً نگاه بالا به پایینی ندارد و معمولاً مخاطبان خود را عوام خطاب نمی‌کند؛ چراکه نوشته‌های او از زبان مردم است و با مردم سخن می‌گوید. ممکن است نسیم شمال در سبک، قالب شعر و شیوه سخن‌پردازی شعرهای اجتماعی عصر خود با کسانی چون دهخدا، بهار و صوراسرافیل در یک رده باشد، اما زبان و نگاه او به مخاطبانش از جنس و نوع دیگری است. رفتار او در جایگاه یک روزنامه‌نگار با مردم جامعه‌اش خود موضوع پژوهش‌های بسیاری می‌تواند باشد. او در یکی از حساس‌ترین و بحرانی‌ترین ادوار تاریخ ایران و در شرایطی که گرسنگی و نیازهای غریزی مردم حتی اجازه دیدن و شنیدن مسائل و مشکلات اجتماعی‌شان را به آنها نمی‌داد، نه با زبان قصه که با زبان تمثیل و کنایه راوی و نمایاننده دردهای مردم شده است.

#### منابع

آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: زوار.

جعفری قنواتی، محمد (۱۳۸۴). «ویژگی ادبیات شفاهی (درباره ادبیات شفاهی ۳)». *کتاب‌نامه کودک و نوجوان*.